

# رادیو و میراث معنوی

❖ مهدی غفارپور

کارشناس ارشد انسان‌شناسی



## چکیده

در این مقاله به بررسی نقش رادیو به عنوان یک رسانه ارتباطی در شناسایی، گسترش و نهادینه‌کردن میراث معنوی جامعه می‌پردازیم. میراث معنوی با توجه به پیشینه فرهنگی و تمدن تاریخی حرف‌های بسیاری در زمینه میراث معنوی و فرهنگی یک جامعه و یک کشور دارد. میراث معنوی در واقع شامل سنت‌های شفاهی همچون زبان، هنرهای نمایشی مثل موسیقی و تئاتر، آیین‌ها و رودادها، دانش و تجارت اجتماعی در رابطه با طبیعت و هستی و همچنین صنایع سنتی می‌شود که نقش هر یک را در ارتباط با یکی از این رسانه‌های ارتباط جمعی که رادیوست، بازگو می‌کنیم.

دو نوع شاخص اصلی که در میراث فرهنگی داریم عبارتند از: میراث مادی و میراث معنوی. میراث مادی شامل میراثی است که به‌طور فیزیکی قابل لمس هستند؛ مانند بناها، مجسمه‌ها و... نوع دوم، با آثار غیرمادی به‌جامانده از گذشتگان از جمله موسیقی، ادبیات، تئاتر، زبان و... سروکار دارد. رادیو باید با برنامه‌های متنوع در جهت شناسایی میراث معنوی جامعه در ارتباط با نیازهای همه اقشار جامعه - که مخاطبان اصلی رادیو هستند - گام بردارد؛ از جمله در زمینه موسیقی باید به موسیقی‌های قومی و محلی توجه خاصی بشود. برنامه‌های رادیوهای استانی و شهری می‌توانند این کار را به‌صورت گسترده انجام دهند. این کار باید براساس نیازسنجی‌هایی صورت گیرد که از مخاطبان رادیو انجام می‌شود.

رادیو که از همان آغاز به کار، به‌عنوان یک وسیله ارتباطی در جهت شناسایی این میراث عظیم بشری گام نهاده است، امروزه دارای جایگاه و نقشی اساسی در جهت حفظ این میراث عظیم بشری است. امروزه برنامه‌های رادیو باید با نوآوری در این زمینه بستری را برای شناسایی این میراث عظیم انسانی آماده سازند.

## دیباچه

میراث معنوی (Intangible Heritage) موضوعی است که چندین سال پیش در بخش فرهنگی یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی و معنوی تمام ملت‌ها تعریف شد و از آن پس، بر روی آن برنامه‌ریزی‌های مختلف صورت گرفت. اگر بخواهیم تعریفی جامع از میراث معنوی ارائه دهیم، اول باید بگوییم که خود «میراث» چیست؟

«میراث» در لغت به معنی آن چیزی است که به ارث رسیده است. این واژه، مفهوم انتقال از گذشته به آینده را می‌رساند. «میراث فرهنگی» نبوغ خلاقه مردمی است که در گذشته دور، گذشته نزدیک و در حال حاضر زندگی می‌کرده و می‌کند. اینگونه میراث؛ یعنی میراث فرهنگی، درباره سنت‌ها، عقاید و دست‌یافته‌های هر کشور و مردم آن سخن می‌گوید. دو نوع شاخص میراث فرهنگی عبارتند از: «میراث فرهنگی» و «میراث معنوی». نوع نخست شامل مواردی است که به‌طور فیزیکی قابل لمس هستند؛ مانند بناها، مجسمه‌ها، نقاشی‌های دیواری، اشیاء و... اما نوع دوم، با آثار غیرمادی به‌جامانده از گذشتگان، از جمله موسیقی، ادبیات، تئاتر، زبان، دانش سنتی، مراسم مذهبی، آیین‌های سنتی و... سروکار دارد.

میراث مادی، به‌نوبه خود، شامل میراث منقول - که به راحتی از مکانی به مکان دیگر قابل انتقال است - و میراث غیرمنقول - که قابل انتقال به مکان دیگر نیستند - می‌شود. در سابق به‌ویژه در قوانین ملی کشورها میان میراث منقول و غیرمنقول، تفاوت زیادی وجود داشت و ارزش تاریخی بیشتر به یادمان‌ها، اشیاء عتیقه و کارهای هنری معطوف بود. اما در سده‌های اخیر، اهل فن بر کمرنگ‌کردن مرز میان میراث منقول و غیرمنقول و یکپارچه‌سازی تمامی وجوه میراث تمایل بیشتری نشان داده‌اند. علاوه بر این، یکی دیگر از وجوه بسیار مهم میراث؛ یعنی ارتباط میان میراث و جامعه، امروز جایگاه ویژه‌ای یافته است. به این ترتیب که میراث فرهنگی اعم از انواع مادی و غیرمادی آن باید در ارتباط با ارزش‌های فرهنگی جامعه تولیدکننده آن، بررسی و مطالعه شوند.

معنی واژه «میراث فرهنگی» در طول دهه‌های اخیر تحول یافته است. در ابتدا، این واژه تنها به شاهکارهای هنری و ارزش‌های تاریخی اطلاق می‌شد، اما اکنون معنای وسیع‌تری یافته و شامل چیزهایی می‌شود که برای مردم دارای اهمیت ویژه است. امروزه واژه میراث، شامل میراث فرهنگی و نیز میراث طبیعی است. این بدین معناست که درک و شناخت کامل تنوع فرهنگی، بدون توجه ویژه به میراث طبیعی میسر نیست. طبیعت و فرهنگ به‌طور ذاتی در ارتباط با یکدیگر هستند، بشر محیط افراد خود را تعدیل می‌کند و محیط نیز بر فعالیت‌های انسان تأثیرگذار است. گرچه قسمت عمده آثار فرهنگی در دو دسته محوطه‌های فرهنگی و طبیعی قابل تقسیم‌بندی هستند، اما گونه‌سومی نیز وجود دارد که تلفیقی از مصادیق فرهنگی و طبیعی است و امروزه تحت عنوان «میراث تلفیقی» شناخته می‌شود. مصادیق میراث فرهنگی به‌طور خلاصه می‌توانند دربرگیرنده یک و یا چند مورد از موارد زیر باشند: آثار معماری و یادمان‌ها، مراکز تاریخی، مجموعه بناها، موزه‌ها، آرشیوها، کتابخانه‌ها، محوطه‌های باستانی، غارهای اولیه، مناظر فرهنگی، پارک‌ها و باغ‌های تاریخی، پارک‌های زیستی جانوری و گیاهی، باستان‌شناسی صنعتی و یا سنت‌های شفاهی، آداب اجتماعی، دانش سنتی، صنایع دستی، فضاها فرهنگی و...

مصادیق میراث طبیعی نیز می‌توانند شامل موارد زیر باشند: مناظر زیبای طبیعی، شکل‌گیری‌های زمین‌شناسی و جغرافیایی که ارزش علمی و یا زیبایی‌شناسی دارند، محوطه‌های مشخص که زیستگاه گونه‌های در معرض خطر حیوانات و گیاهان باشند؛ از جمله پارک‌های طبیعی و دریایی و ...

## میراث فرهنگی

میراث فرهنگی هر جامعه در یک نگاه کلی به دو بخش مادی و غیرمادی تقسیم‌بندی شده است. میراث مادی در همه ادوار تاریخی تحت نفوذ میراث معنوی بوده است. میراث معنوی شامل باورها، سنن، گویش‌ها، آیین‌ها و رسوم فرهنگی یک ملت که هویت تاریخی مردم را ترسیم می‌کند، بر میراث مادی، یعنی هرآنچه به‌صورت اشیای مادی از گذشتگان به‌جا مانده است تأثیرگذار بوده است. یکی از نمودهای بارز میراث مادی پوشاک و لباس است. بررسی تاریخی پوشاک و لباس در واقع به‌منزله کنکاشی در میراث فرهنگی - چه به صورت مادی یا معنوی - است و نه تنها از نظر تاریخ و هنر، بلکه از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز بسیار شایان دقت و توجه بوده است. با توجه به توضیحاتی که درباره میراث و میراث فرهنگی و مادی داده شد، در یک تعریف

کلی می‌توان گفت که میراث معنوی شامل سنت‌های شفاهی همچون زبان، هنرهای نمایشی مثل موسیقی و تئاتر، آیین‌ها و رویدادها، دانش و تجارب اجتماعی در رابطه با طبیعت و هستی و همچنین صنایع سنتی است. زبان، بنیادی‌ترین جلوه میراث معنوی است. مرگ یک گویش، از دست رفتن گوشه‌ای از یک فرهنگ است؛ فرهنگی که به راحتی از میان می‌رود، اما کشف دوباره آن خیلی زمان می‌برد و نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و صرف هزینه‌های گران‌بهاست. رادیو به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی که وظیفه خود را در این حوزه تا به امروز به خوبی انجام داده است، در زمینه زبان‌های محلی که از آن هم به عنوان بنیادی‌ترین جلوه میراث معنوی یاد می‌شود، می‌تواند با شکوفایی و نوآوری در این زمینه، از این میراث محافظت کند و آن را به نسل‌های بعدی انتقال دهد.

### جایگاه اماکن مذهبی در میراث معنوی و فرهنگی کشور

بی‌تردید هنر هر ملت بیانگر نحوه اندیشه، جهان‌بینی، معتقدات و سنت‌های ملت است. هرچه بنیادهای فرهنگی ملتی استوارتر و ریشه‌دارتر باشد، تجلیات هنری آن ملت نیز طی تاریخ تکامل آن، یکنواخت‌تر و از نوسانات، تحولات و گسست‌های کمتری برخوردار است. هنر ایرانی و اسلامی ایران زمین نیز به عنوان گنجینه‌ای عظیم و شگفت‌انگیز به خوبی مؤید این سخن است.

نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان این حقیقت را آشکار می‌سازد که معماری ایرانی بر سه اصل آسایش، استحکام و انبساط پایه‌گذاری شده است.

هنر در ایران به قدمت تاریخ است و معماری از کهن‌ترین هنرهای ایرانی است. براساس آنچه از نوشته‌های تاریخی به دست می‌آید، هنر و صنعت از ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در ایران زمین ریشه و نشان دارد و به همین دلیل است که تمامی گستره این مرز و بوم، به‌ویژه روستاهای فعلی، مانند کتاب زنده‌ای از تاریخ، معماری و هنر ایرانی و اسلامی جلوه‌گر هستند.

نظری کوتاه و اجمالی به هر یک از یادگارهای تاریخی، قدمت چند هزارساله این خاک پهناور را نمایش می‌دهد. وقتی به منابع تاریخی مراجعه می‌کنیم، این حقیقت بر ما روشن می‌شود که کمتر روستایی در ایران وجود دارد که در آن معابد باستانی و اماکن زیارتی و مذهبی با ویژگی‌های خاص معماری ایرانی وجود نداشته باشد. پاسارگاد، تخت سلیمان، ارگ بم، چهل‌ستون، عالی‌قاپو و مسجد امام اصفهان نمونه‌هایی از آثار تاریخی به‌جامانده از تمدن گذشتگان هستند که علاوه بر جلال و شکوه و شگفتی که به لحاظ عظمت معماری و ساختار در بیننده ایجاد می‌کنند، گویای تاریخ و تمدن باشکوه ایرانی نیز هستند. پس از ورود اسلام به سرزمین پهناور ایران، فرهنگ و هنر این پهنه با عوامل تازه‌ای ترکیب شد. برخورد و آمیزش عنصر ایرانی با جریان‌های فرهنگ، هنر و اندیشه اسلامی، سیمای تازه‌ای به هنر ایرانی بخشید، بدون آنکه هویت و روح آن را تغییر دهد.

معماری در ایران پس از اسلام از رنگارنگی پربار، طراحی، ظرافت و دقت نظر بی‌نظیری برخوردار شد و البته شک نیست که اوج این بازآفرینی در آثار هنری دوران صفوی قابل مشاهده است.

معماری ایران، شناسنامه معتبر مردم در این سرزمین از دورترین زمان‌هاست. در معماری ایرانی آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسل‌ها به خوبی مشهود است. این ویژگی نه تنها در بناهای عظیم، بلکه در ابنیه کوچک نیز نمود دارد.

از دوره اشکانیان در معماری رسمی ایران ساختن گنبد مرسوم شد. از همان روزگار، گنبدها روی چهارطاق گوشه بنا می‌شد.

پس از آنکه اسلام، ایران را فرا گرفت، معماری مردم این سرزمین غنی، خود را با لوازم و آیین جدید سازگار کرد. تزئینات رایج در معماری کهن ایرانی با همه ویژگی‌های خود از گچ‌بری و آرایش با کاشی لعاب‌دار و ... به معماری اسلامی و ایران انتقال یافته است.

بی‌شک هنر معماری یکی از بارزترین مظاهر تمدن هر قوم و ملت است و نحوه برخورد آن ملت را با مسائل مربوط به حیات و بینش آنها را از جهان هستی به خوبی بیان می‌کند. بر اساس اعلام منابع تاریخی، کهن‌ترین نمونه قابل ذکر از میان بناهای باستانی که در کشور ما شناخته شده، معبد چغازنبیل واقع در خوزستان است.

پس از گذشت سالیان بسیار از خلق آثار ایرانی و اسلامی، درمی‌یابیم که آثار مذهبی، بخشی از آثار تاریخی و معنوی ایران را شامل می‌شوند و اعتقادها، باورها و معنویت از جمله میراث ماندگاری هستند که از طریق اماکن مذهبی منتقل می‌شوند.

آثار تاریخی و بسیار ارزشمندی که از شهرت جهانی نیز برخوردار هستند، تنها در دوره زمانی

میراث معنوی شامل باورها، سنن، گویش‌ها، آیین‌ها و رسوم فرهنگی یک ملت که هویت تاریخی مردم را ترسیم می‌کند، بر میراث مادی، یعنی هر آنچه به صورت اشیای مادی از گذشتگان به جا مانده است تأثیرگذار بوده است.



خاص خود کاربری داشته و در حال حاضر تنها فضایی برای گردشگری و آشنایی با تاریخ گذشتگان هستند. تخت جمشید از جمله این بناها محسوب می‌شود. در مقابل، اماکنی هستند که پس از گذشت هزاران سال هنوز کاربری خود را داشته و با صلابت، پذیرای مشتاقان هستند. این بناها با وجود اینکه فضایی برای گردشگری و کسب اطلاع از تاریخ، هنر و معماری گذشته هستند، همچنان استوار، محل عبادت و معنویت نیز بوده و کاربری اصلی خود را حفظ کرده‌اند. با قاطعیت می‌توان گفت بخش عظیمی از جلوه‌های هنر و زیبایی در آثار مذهبی جلوه‌گر است و برای حفظ و نگهداری این آثار که جزو میراث فرهنگی کشور محسوب می‌شوند، لازم است فعالیت‌های مناسب و شایسته‌ای صورت گیرد. در هر کشور بیشترین شکوه و جلال مربوط به آثار مذهبی است. مساجد یکی از این آثار مذهبی هستند که علاوه بر این در بسیاری از کشورها، نمونه‌های آن وجود دارد و اغلب نیز نمادی عینی از هنر، معماری، زیبایی و معنویت هستند.

در کشور اسلامی ایران اماکن مذهبی ترکیبی از فرهنگ ایرانی و اسلامی هستند و می‌توان گفت جوهره اصلی میراث فرهنگی را، فرهنگ مذهبی تشکیل می‌دهد و مایه و بطن اصلی این جوهره نیز اماکن مذهبی هستند.

معماری اماکن مذهبی ایران می‌تواند الگوی معماری کشور باشد. در حال حاضر معماری کشور از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند، در این شرایط می‌توان با تأسی از بناهای اسلامی سراسر کشور، معماری مشخصی را به‌عنوان شاخص، برای معماری ایران زمین در نظر گرفت.

بی‌شک آثار مختلف، متنوع و متعدد به‌جامانده از گذشتگان - به‌ویژه اماکن مذهبی - بیانگر موضوعات و موارد مختلفی هستند که باید مورد توجه قرار گرفته، با تحقیق و مطالعه، تاریخ ثبت‌شده در دل آنها را استخراج کرد.

میراث معنوی، اعتقادات و باورهای ما ایرانیان را تشکیل می‌دهد. در این میان، بخش اعظمی از اعتقادات ایرانی و اسلامی، در قالب مساجد و دیگر اماکن مذهبی، به‌عنوان پایگاه‌های معنوی و اعتقادی برای عبادت و زیارت، جلوه‌گر می‌شوند. بخشی از مساجد کشور به دلیل ویژگی‌های خاص معماری و تاریخی به ثبت ملی رسیده‌اند، اما صرف‌نظر از اینکه مسجدهای ثبت ملی شده باشد یا خیر، دارای اهمیتی ویژه هستند و در هر حال بیانگر تاریخ، هنر، معماری و هویت ایرانیان مسلمانان به‌شمار می‌آیند.

البته باید توجه داشت که آثار مذهبی سرزمین پهناور ایران، به مساجد و زیارتگاه‌ها ختم نمی‌شود، بلکه اماکن مذهبی سایر ادیان نظیر مسیحی و یهودی نیز [در ایران] دارای جایگاه خاصی هستند و ویژگی‌های معماری و معنوی آنها نیز به‌نوعی مؤید سیر تاریخی معماری و هنر در ایران است. کلیساها و کنیسه‌های بسیاری در نقاط مختلف کشور به‌صورت پراکنده وجود دارند که ویژگی‌های اغلب آنها نیز به لحاظ معماری و بافت تاریخی، منحصر به فرد بوده و بنا را واجد چنان مشخصاتی کرده که در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده و مورد توجه و مراقبت مناسب سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قرار دارند.

### و اما رادیو

با وجود این اتهامات که رادیو «رسانه‌ای فراموش‌شده» است؛ یعنی فناوری‌ای که روزی مخاطبی داشته است، اما دیگر مخاطبی ندارد، رادیو با بالاترین سطح دسترسی و بیشترین مقدار نفوذ، کماکان فراگیرترین رسانه دنیاست. (آپلمن، ۲۰۰۶)

«هنگامی که تلویزیون برای اولین بار روی صحنه ملی حاضر شد، بسیاری از افراد تصور کردند رادیو نابود شده است. اما رادیو هنوز رسانه‌ای قدرتمند است که دلایل بسیاری را می‌توان برای آن برشمرد:

- اول آنکه رادیو اساساً رسانه‌ای متفاوت از تلویزیون است؛ اگرچه هر دو رسانه‌های پخش الکترونیک هستند.

- دوم آنکه رادیو در مقایسه با تلویزیون هزینه کمتری دارد. مخاطبان رادیو در برخی مواقع بیشتر هستند. برای مثال، افرادی که رانندگی می‌کنند نمی‌توانند به تلویزیون گوش دهند، اما گوش دادن به رادیو در اتومبیل به‌صورت عادت درآمده است. رادیو از جنبه روان‌شناختی نیز با تلویزیون متفاوت است. تصویری که بیننده به هنگام تماشای تلویزیون می‌بیند، همان تصویری است که از تلویزیون پخش می‌شود؛ اما رادیو، تخیل شنونده را برمی‌انگیزد.» (رایشرت، ۱۹۷۳: ۱۱۷)

در یک دوره چهارهفته‌ای، بیش از ۸۰ درصد افراد ۱۵ تا ۴۴ ساله به رادیو تجاری گوش می‌دهند.

با قاطعیت می‌توان گفت بخش عظیمی از جلوه‌های هنر و زیبایی در آثار مذهبی جلوه‌گر است و برای حفظ و نگهداری این آثار که جزو میراث فرهنگی کشور محسوب می‌شوند، لازم است فعالیت‌های مناسب و شایسته‌ای صورت گیرد.

اکثریت این شنوندگان به صورت دائمی به ایستگاه رادیویی موردعلاقه خود گوش می‌دهند که این کار هرروز و در زمان یکسانی انجام می‌شود. شنوندگان رادیو وفادار هستند و اغلب به برنامه‌ها و گویندگان موردعلاقه خود گوش می‌دهند. مردم اغلب به هنگامی که در ساعات اوج تماشای تلویزیون نیست به رادیو گوش می‌دهند؛ زمان صرف صبحانه (۶ تا ۹ صبح) و هنگام رانندگی در عصر (۵ تا ۶ عصر) زمانی است که تعداد شنوندگان رادیو به اوج خود می‌رسند.

دلایل گوش دادن مردم به رادیو درست به اندازه تعداد ایستگاه‌های دسترس آنها متنوع و زیاد است. رادیو در بیشتر از ۹۹٪ خانه‌های آمریکا یافت می‌شود و به چیزی ضروری در زندگی افراد تبدیل شده است. دلایل این امر زیاد است. رادیو بی‌واسطه و بسیار فوری در دسترس است و شنوندگان به محض روشن کردن رادیو در هر جا و هر زمانی به آخرین اطلاعات دست می‌یابند. (لینچ و گی لیس‌بی، ۱۳۸۳)

حتی با وجود روی کار آمدن تلویزیون و گرایش بسیاری از شنوندگان رادیویی به تلویزیون، رادیو کماکان در تمام دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد و از اهمیت و اعتبار آن کاسته نشده است. در کشورمان نیز رادیو به عنوان یکی از رسانه‌های انبوه و در عین حال فراگیر نقش خود را در حوزه میراث معنوی به خوبی انجام می‌دهد. (محمدیان، ۱۳۸۲)

ویژگی‌های منحصر به فرد رادیو سبب شده است که این رسانه همچنین به عنوان یک ابزار ارتباطی قوی مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه، در مقابل رقابلی نظیر تلویزیون بسیاری از مخاطبان خود را از دست داده است، اما در عوض رادیو امروزه هر چه بیشتر در قالب یک رسانه جمعی بلکه در قالب یک رسانه محلی به جماعت‌ها و گروه‌های خاص، سرویس‌های خدماتی، آموزشی و تفریحی می‌دهد و از نظر سهولت دسترسی به گروه‌ها و اجتماعات، هیچ رسانه دیگری توانایی رقابت با آن را ندارد.

### نتیجه‌گیری

نقش رادیو به عنوان یک وسیله ارتباطی در جهت شناسایی و معرفی میراث معنوی یک جامعه انکارناپذیر است. در جهان ارتباطات امروزی و براساس تأییداتی که برای معرفی میراث معنوی کشور - چه در مرزهای داخلی و چه در خارجی - می‌شود، رادیو تا به امروزه این کار را با ایستگاه‌های مختلف داخلی و خارجی خود به خوبی انجام داده است. بر این اساس مشخص می‌شود که رادیو با وجود برخی دیدگاه‌ها هنوز رسانه‌ای تأثیرگذار و کاراست و دارای قابلیت‌هایی است که رسانه‌های دیگر فاقد آن هستند و در برخی موقعیت‌ها و زمان‌ها، تنها رسانه‌ای است که می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد. از این منظر، رادیو همچنان می‌تواند به عنوان رسانه‌ای در جهت شناسایی میراث معنوی کشورمان مفید و مؤثر واقع شود و با نوآوری و شکوفایی در دیگر زمینه‌ها و برنامه‌های تولیدی در جهت نیل به چنین هدفی گام بردارد. این کار نیازمند تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف و نیز نیاز به همکاری با بخش‌های مختلف سازمان‌ها و ارگان‌هاست تا بتوانند در جهت گسترش و نشر میراث معنوی در داخل و خارج از مرزها موفق باشند.

### منابع و مأخذ

- صمدی، یونس (۱۳۸۲). **میراث معنوی در حقوق داخلی و بین‌المللی**. تهران: صداوسیما.
- لینچ، جوانا آر و گی لیس بی، گرگ (۱۳۸۳). **برنامه‌ریزی در رادیوهای خصوصی**، ترجمه معصومه عصام، تهران: اداره کل پژوهش‌های رادیو.
- مؤمن‌زاده، مژده (۱۳۸۴). **ماهنامه مرمت**، شماره شانزدهم.
- محمدیان، محمود (۱۳۸۲). **مدیریت تبلیغات**. تهران: حروفیه.
- فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی **وقف**، میراث جاویدان، سال چهاردهم، بهار ۱۳۸۵، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ.
- سایت میراث فرهنگی و صنایع دستی جمهوری اسلامی ایران (<http://iranmiras.ir>)
- Introducing Young People to Heritage Site Management and Protection, ICCROM.
- Reichert, Gene (1973). **Modern Business, Advertising**. Alexander Hamilton Institute: New York.
- Abelman, Robert (2005). **Turning in Radio, promoting Audience Transference Frequency Shifts**, Journal of Radio Studies.